



Suddenly M^ron Valjean gave a tap, then passed quickly, without looking at the bishop, along the wall, straight to the cupboard which he perceived near its head; he turned the drill to force the lock; the key was in it; he opened it; the first thing he saw was the basket of silver; he took it, crossed the road with hasty stride, careless of noise, reached the door, entered the oratory, put the silver in his knapsack, threw the basket, ran across the garden, leaped over the wall like a tiger, and fled.

سارا رفیعی پور

سودای؟ ممکن

On the next day at sunrise, Monsieur Valjean was walking in the garden. Madame Magloire run up to him quite beside herself. "Monsieur, monsieur," she said, "does your greatness know where the silver basket is?"

(گفتمان سیاست)

"Yes," said the bishop. "God be praised!" said she, "I have just found it in the garden. The bishop had just found it in the garden. He gave it to Madame Magloire and she put it in the basket."

جناب من و جرم شناسی

"Yes," said she, "but there is a silver basket in the garden. The silver?"

در زمان بینوایان

"Ah!" said the bishop, "I do not know where that basket is. Good heavens! it is stolen. And in the twinkling of an eye was capable, Madame Magloire, of running to the oratory, went into the oratory, and came back to the garden. The bishop was bending with some sadness over a cochlearia. Guillems, which the basket had broken in falling."

man who came last night stole it." with all the agility of which her ran to the oratory, went into the oratory. The bishop was bending with some sadness over a cochlearia. Guillems, which the basket had broken in falling.

"Monsieur, the silver is stolen!" said she, "the silver is stolen!" "Monsieur, the silver is stolen!" said she, "the silver is stolen!" "Monsieur, the silver is stolen!" said she, "the silver is stolen!"

"See, there is where he got out; he jumped into the garden. The abominable fellow! he has stolen our silver!" The bishop was silent for a moment, then raising his serious eyes, he said to Madame

www.nagah.com

سودای ناممکن

«گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در رمان بینوایان»

اثر ویکتور هوگو

نویسنده: سارا (کوثر) رفیعی پور



سودای ناممکن

«گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در رمان بینوایان»

اثر ویکتور هوگو

نویسنده: سارا (کوثر) رفیعی پور

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

طراح گرافیک: کوروش شبگرد

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: پیکان

نوبت چاپ: یکم، ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۵۰

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۰-۱۷۴-۵

سرشناسه	:	رفیعی پور، سارا، ۱۳۶۳-
عنوان و نام پدیدآور	:	سودای ناممکن : گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در رمان بینوایان
مشخصات نشر	:	اثر ویکتور هوگو / سارا (کوثر) رفیعی پور، تهران : نگاه معاصر، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	:	۱۶۸ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۲۹۰-۱۷۴-۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
عنوان دیگر	:	گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در رمان بینوایان اثر ویکتور هوگو.
موضوع	:	جرم شناسی در ادبیات Criminology in literature* حقوق در ادبیات Law in literature
رده بندی کنگره	:	PIR۳۴۴۲
رده بندی دیویی	:	۸۴۰/۹۳۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۹۰۳۷۲۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا

نشانی: تهران | مینی سیتی | شهرک محلاتی | فاز ۲ مخابرات | بلوک ۳۸ | واحد ۲ شرقی



۰۲۲۴۴۸۳۱۹



negahemoaser94@gmail.com



nasher_negahemoaser

فهرست

دیباچه

پیشگفتار

مقدمه

بخش اول: تلاقی حقوق و ادبیات در پرتو شناخت جرم‌شناسی ادبی

فصل اول: ماهیت جرم‌شناسی ادبی و قلمرو آن

مبحث اول: پیشینه‌ی رمان بینوایان و معرفی ویکتور هوگو

گفتار اول - بینوایان

گفتار دوم - شخصیت‌های اصلی و راوی رمان بینوایان

گفتار سوم - خلاصه رمان بینوایان

الف - از دست‌گیری تا دست‌گیری

ب - آزادی کوزت، آزادی ماریوس

ج - تلاقی دو دریا

د - انقلاب بیداری

گفتار چهارم - ویکتور هوگو

مبحث دوم: مبانی ادبیات و حقوق در پرتو مطالعات میان‌رشته‌ای

گفتار اول - تعریف و ضرورت لزوم مطالعات میان‌رشته‌ای

گفتار دوم - چیستی و فواید ادبیات حقوقی

الف - تاثیر و فواید حقوق بر ادبیات

ب - تاثیر و فواید ادبیات بر حقوق

مبحث سوم: جرم‌شناسی و چیستی جرم‌شناسی ادبی

گفتار اول - مفهوم جرم

گفتار دوم - تعریف جرم‌شناسی

گفتار سوم - موضوع و قلمرو جرم‌شناسی

گفتار چهارم - اهداف جرم‌شناسی

الف - شناخت علل بزه و شخصیت بزه‌کار

ب - پیشگیری از وقوع بزه و تکرار آن

ج - تلاش در انسانی ساختن قوانین

د - روش اصلاح و بازپروری

گفتار پنجم - تاریخچه جرم‌شناسی

الف - دوره ماقبل علمی

ب - دوره نیمه علمی

ج - دوره علمی

گفتار اول - مفهوم جرم‌شناسی ادبی

گفتار دوم - قلمرو جرم‌شناسی ادبی

الف - متون ادبی

ب - فیلمها

گفتار سوم - فواید جرم‌شناسی ادبی

الف - استفاده در دانشگاه به عنوان راهکاری برای تدریس

ب - پویایی نظریه‌های جرم‌شناسی ادبی

ج - استفاده از جرم‌شناسی ادبی در حوزه بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان

د - استفاده از جرم‌شناسی ادبی در پویایی و اصلاح سیاستگذاری جنایی کشورها

ت - استفاده از جرم‌شناسی در حوزه عدالت ترمیمی

فصل دوم: واژه شناسی و مفهوم سیاست جنایی

مبحث اول: مفهوم سیاست جنایی

گفتار اول - تعبیر مضیق سیاست جنایی

گفتار دوم - تعبیر موسع سیاست جنایی

گفتار سوم - گونه شناسی سیاست جنایی

مبحث دوم: مدل‌های سیاست جنایی بر اساس جریان‌های ایدئولوژیک

گفتار اول - سیاست جنایی در بستر جریان لیبرال (آزاد منش)

گفتار دوم - سیاست جنایی در بستر جریان مساوات طلب (برابری خواه)

گفتار سوم - سیاست جنایی در بستر جنبش آنارشیسم

گفتار چهارم - سیاست جنایی در بستر جریان اقتدارگرایی فراگیر (توتالیتار)

الف - فاشیسم

ب - تامگرایی

گفتار پنجم - سیاست جنایی براساس جریان اقتدارگرا

بخش دوم: گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در رمان بینوایان، مقصودی برای شناخت جرم‌شناسی ادبی

فصل اول: سیمای سیاست جنایی در رمان بینوایان

مبحث اول: تحلیل بینوایان از منظر سیاست جنایی

گفتار اول - بزه و انحراف

گفتار دوم - پاسخ‌گزاری به بزه و انحراف

گفتار سوم - مدل سیاست جنایی براساس دریافت و پذیرش سیاست جنایی در رمان بینوایان

گفتار چهارم - اهمیت مرحله‌ی پسا کیفری

گفتار پنجم - تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان

الف - متناسب سازی پاسخ‌های عدالت کیفری

ب - فردی کردن اجرای مجازات‌ها

ج - هدفمند کردن برنامه‌های اصلاح و درمان

گفتار ششم - طرد بزهکاری و دشمن سازی

گفتار هفتم - تسامح صفر در برابر جرم

گفتار هشتم - اجرای علنی کیفر اعدام

گفتار نهم - نهاد عفو (جلوه‌ای از سیاست‌مدارا)

مبحث دوم: تحولات سیاست جنایی فرانسه

گفتار اول - چرخه‌های سیاست جنایی

گفتار دوم - ویژگی‌های چرخه‌های سیاست جنایی

الف- مولفه‌های سازنده چرخه

ب- مدت چرخه

گفتار سوم - چرخه‌های سیاست جنایی فرانسه

الف - چرخه ۱۹۱۳-۱۸۲۶

ب- چرخه ۲۰۰۷-۱۹۱۹

گفتار چهارم - سیر جدید سیاست جنایی فرانسه

فصل دوم: بررسی رمان بینوایان در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی

مبحث اول : رمان بینوایان در قالب تئوری‌های عمل مجرمانه

گفتار اول - تئوری کف نفس یا خویشتن‌داری

گفتار دوم - تئوری اقتصادی جرم

گفتار سوم- تئوری سبک زندگی بزه‌دیدگان

گفتار چهارم - تئوری تحلیل استرانژیک بزه‌کاری

گفتار پنجم- تئوری برجسب‌زنی یا جرم‌شناسی تعامل‌گرا

گفتار ششم - تئوری Drif (دریفت) دیوید متزا (فنون خنثی‌سازی)

گفتار هفتم- تئوری همنشینی فرقدار

گفتار هشتم -تئوری فشار (نظریه ابزار وسایل رابرت مرتون)

مبحث دوم : یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی

گفتار اول - تئوری سبک زندگی

مبحث سوم: نظریه دورکیم در مورد جرم

گفتار اول- کارکرد اجتماعی جرم از نگاه دورکیم و بررسی آن در رمان بینوایان

گفتار دوم- تقسیم‌بندی جوامع از نگاه دورکیم و بررسی آن در رمان بینوایان

گفتار سوم - رویکرد جامعه‌شناسی کیفی و بررسی آن در رمان بینوایان

نتیجه‌گیری

کتاب‌شناسی

دیباچه

مرا برای دزدیدن تکه نانی به زندان انداختند!!
و پانزده سال در آنجا نان مجانی خوردم
(رمان "بینوایان")

حقوق و ادبیات با هم برادرند. محصول این برادری تولد رشته‌ای با عنوان جرم‌شناسی ادبی است. این رویکرد ترکیبی و تلفیقی چندین دهه است که در حوزه دانش بشری پدیدار شده و رشد و رونق یافته است. ترکیب شگفت «جرم‌شناسی ادبی» مقصود واحدی را دنبال می‌کند و آن عدالت است. این پیوند دارای پایداری تاریخی است؛ از زمانی که رمان زندگی با رمان جرم پیوند یافت. مطالعات میان‌رشته‌ای از زمانی که «شعر داتنه وارد قانون شد» جان تازه‌ای گرفت؛ زیرا شعر و سروده‌های داتنه، مملو از نشانه‌ها و رفتارهای «دوزخی» و «کیفری» و بیان متنوع انواع کیفر و مکافات است. برای شروع این پیوند دیرینه نمی‌توان تاریخی مشخص کرد.

روایت جرم‌شناسانه قرآن در داستان آدم و حوا، نخستین پیوند میان‌رشته‌ای این دو بوده است. داستان ابراهیم و اسحاق، داستان آنتیگونه در نمایشنامه تراژدیک سوفوکل، داستان رستم و سهراب، قصه یوسف و زلیخا، رمان زیبا و خواندنی قلعه حیوانات، قطعاتی از نمایشنامه شکسپیر و در آخر رمان بینوایان و ویکتور ماری هوگو شاهکارهای این پیوند بوده است. تعاطی و تعامل این دو رشته، باعث دانش‌افزایی تکاملی می‌گردد. ادبیات شیفته زبان حقوق- قضایی است. در برخی قطعات نمایشنامه شکسپیر، پیکار تن به تن چشم و قلب به تصویر کشیده می‌شود: چشم من با قلب من پیکاری بی‌امان راه انداخته است. رأی نهایی را هیات منصفه‌ای از افکار صادر می‌کند. همین بلاغت را آمیخته با زبانی دیپلماتیک و حقوق بین‌المللی، که حرفه‌اش بود، در نزد ژیرودو می‌یابیم. از زیباترین تراژدی‌های

سوفوکل این است که در نمایشنامه آنتیگون، شخصیت کسی را نشان می‌دهد که دستوره‌های حکومت دنیوی را به دلیل اطاعت از الزامات انسانی‌تر زیر پا می‌گذارد. شبیه همین روایت تراژدیک هنگام سقوط دیوار برلین دوباره تکرار شد.

اما روایت ویکتور هوگو در کتاب بینوایان شاهکار بی‌بدیلی است که اوج پیوند میان رشته‌ای را به نمایش می‌گذارد. ویکتور هوگو از جمله کسانی است که روایت جاندار یک مجرم به نام ژان والژان را به زیبایی تمام به سرانجام می‌رساند. جمله‌ی سرلوحه رمان ویکتور هوگو به نقل از ژان والژان قهرمان اصلی داستان به شدت مرا تحت تأثیر قرار داده و به تفکر واد می‌دارد. جمله کوتاه درسی بلند برای دستگاه عدالت کیفری است که مکافات را با انسانیت پیوند می‌زند.

رمان ویکتور هوگو یکی از تأثیرگذارترین رمان‌های جهان است که می‌توان از آن به شاهکار ادبی جرم‌شناسی یا جرم‌شناسی ادبی یاد کرد. این رمان جرم‌شناسانه، مبتنی بر پیوند ادیبانه حقوق و ادبیات توانسته جایگاه رفیعی در این روابط میان رشته‌ای پیدا کند. بر اساس رمان‌های ویکتور هوگو، ده‌ها فیلم، سریال و موزیک‌ها ساخته‌اند. نقاش‌ها به روایت تصویری از داستان بینوایان پرداخته‌اند. به منظور تقدیر از او در سراسر دنیا پیکرتراشی کرده‌اند. او که خود قهرمان آزادی خواهی در کشور بود، از محکومی به نام ژان والژان قهرمانی سترگ ساخت. شخصیت قصه بینوایان به نام ژان والژان به خاطر دزدی قرص نانی برای سیرکردن شکم بچه‌های خواهرش به زندان افکنده می‌شود. روایت این رمان جرم‌شناختی و سیاست جنایی و آفرینش روایت ماهرانه از قهرمان داستان - زندگی یک محکوم - اثری شگرف خلق کرده است. ویکتور، آثار فرامرزی دیگری هم دارد از جمله «گوزپشت نتردام» و «آخرین روز یک محکوم به اعدام»، اما شاهکار انسان دوستانه بینوایان تافته جدا بافته‌ای است. او خود در وصف کتاب می‌نویسد «من، این کتاب را برای همه آزادی خواهان جهان نوشته‌ام». زندگی ویکتور هم آغوش با خطر بوده است. دور نشینی از سوی ناپلئون را کارنامه دارد و به افتخار دریافت گلدان سور (نوعی چینی فرانسوی) نائل شده است. او در ادبیات، رمان،

قصه‌نویسی و حتا سیاست آنقدر بزرگ بود که برای بزرگداشت نام او در ۲۷ فوریه ۱۸۸۱ مراسم رژه‌ای برپا شد که رژه رونده‌ها شش ساعت راه رفتند تا از مقابل هوگو که پشت پنجره اتاقش نشسته بود رد شوند.

مانستگی پیوند جرم‌شناسی و ادبیات را در اشعار ادبای نامدار ایران چون فردوسی، مولوی و سعدی به سادگی می‌توان دریافت. مولوی وضعیت انسان را در جهان پیچ پیچ و تحت تأثیرات اقلیمی (مکتب جرم‌شناسی اقلیمی) را به هیچستانی تشبیه می‌کند و می‌گوید:

ما کی ایم اندر جهان پیچ پیچ؟ چون الف، او خود چه دارد هیچ هیچ

سعدی سال‌ها پیش از زادن ویکتور هوگو می‌گوید: اغلب تهیدستان دامن عصمت به معصیت آلاینند، و گرسنگان نان ربایند.

اینک، خوشحالم که شاهد به ثمرنشینی تلاش سرکار خانم سارا رفیعی پژوهشگر خوش ذوق و پرمایه در زمینه جرم‌شناسی ادبی در قالب کتابی از سوی انتشارات فاخر نگاه معاصر هستم. نوشته وی، مصداق این رشته کلام است که، فکر را پر بدهید، و نترسید که از سقف عقیده برود بالاتر.

خانم رفیعی جسورانه و خلاقانه به تدارک اثری مبادرت ورزیده که وی را در شمار محدود پژوهش‌گران متفکر قرار می‌دهد. زیبایی، روانی، چینش مناسب، خوش ذوقی و قلم دانشورانه مولف هر خواننده‌ای را وادار می‌سازد که این نازک‌نویسی را در ردیف داشته‌های خود قرار دهد.

حسین آقایی جنت مکان

دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز و جرم‌شناس

۱۴۰۱/۱/۲۴

پیشگفتار

هیچ چیز کوچک نیست و همه چیز بر همه چیز اثر می‌گذارد.

ویکتور هوگو

ایده‌ی نوشتن این کتاب در کلاس درس جرم‌شناسی متولد شد. یک دهه پیش، من و بسیاری از دانشجویان کارشناسی در یادگیری و به ذهن سپردن نظریات بی‌شمار جرم‌شناسی به مشکل برخوردیم. این علم نه تنها نظریات جرم‌شناسی را به دانشجو می‌آموزد، بلکه در خلال آن به پاره‌ای از بحث‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی و گاه فلسفی هم اشاره می‌کند. در حالیکه به عقیده‌ی نگارنده پس زمینه‌ی تمام علم‌ها و هنرها از داستان و قصه آغاز می‌شود. بنابراین، آنچه حائز اهمیت است این است که، اندیشه‌های ادبی و تفکرات ادیبان در تکوین جرم‌شناسی، خاک‌سپاری نشود. از آن جایی که هنوز هم اهمیت ادبیات در سطح دنیا و در واقع ملت‌ها تازه می‌شود، می‌بایست در پروراندن و کار آمدن شدن فراورده‌های جرم‌شناسی در عرصه‌ی حقوق کیفری، عمل و اجتماع، با استمداد از ادبیات به معنای عام کلمه، عمل نمود. با توجه به اینکه مسئله‌ی جرم و مجازات دغدغه‌ی نویسندگان نیز هست. آموزش نظریات جرم‌شناسی به دانشجویان با زبان قصه و داستان می‌تواند تأثیرگذار تر باشد. چرا که تأثیر گزاری اخلاقی ادبیات پررنگ‌تر از سایر هنرهاست. از آنجایی که دستگاه قضایی به عنوان یکی از ارکان دولت نمی‌تواند نسبت به مقوله‌ی فرهنگ بی‌تفاوت باشد، و سیاست جنایی در معنای موسع تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد در نتیجه می‌توان از میان ابزار فرهنگ به ادبیات پناه برد. امکان دارد که سایر آثار هنری مانند موسیقی، نقاشی، سینما و... تأثیرگذار باشد اما هیچکدام تأثیر گذاری اخلاقی ادبیات را ندارد. هر اثر هنری که خلق می‌شود، طرحی که نقاش می‌کشد، فیلمی که ساخته می‌شود و... پس زمینه‌اش یک داستان است. ابتدایی‌ترین و عمیق‌ترین رابطه‌ها با داستان شروع می‌شود، داستان انقلاب نیست اما

می‌تواند در فرهنگ‌سازی انقلاب بیافریند. بعنوان مثال: رمان کلبه‌ی عموتام اثر "هریت بیچر" بردگانی را که سال‌ها از آزادی محروم بودند رها کرد. همان‌طور مرگ رستاخیز اثر "تولستوی"، رستاخیزی در قانون روسیه به پا کرد و آدم‌های را که زیر قانون تزار له می‌شدند بلند کرد. رمان پاییز پدرسالار اثر "مارکز" پاییزدیکتاتوری را برای همگان به نمایش درآورد و خانه‌ی مردگان اثر "تولستوی" تزار روس را به گریه درآورد و دستور داد تا اصلاحات و تغییراتی در امور زندانیان صورت پذیرد. بینوایان، بینوایی را از زیر سنگ فرش‌های فرانسه بیرون آورد و به نمایش کشید. نشان داد، بخشش و فرصت دوباره دادن می‌تواند ژان والزان‌های بسیاری را تغییر دهد و انقلاب بیافریند. سیاست جنایی نیز با تکیه بر فرهنگ و داستان می‌تواند جان بگیرد، چرا که در داستان ظلم فرو می‌ریزد. هم‌چنین فراگیر بودن مفهوم و چگونگی ارتکاب جرم از جهت نحوه‌ی مقابله با آن و از حیث علت شناختی موجب شده تا اکثر کنش‌گران و پویش‌گران اجتماعی، بیش از پیش به دنبال شناسایی پدیده جنایی باشند. نویسندگان ادبیات داستانی و پژوهش‌گران در رشته‌های گوناگون کوشش می‌کنند با بررسی پدیده مجرمانه و کاربست یافته‌های علوم مورد مطالعه‌ی خویش در پاسخ‌گذاری معمای بزه‌کاری مشارکت نمایند. در نتیجه مسئله جرم و مجازات فقط دغدغه حقوق‌دانان و جرم‌شناسان و کنش‌گران عدالت کیفری نیست و ادیبان نیز سخن‌هایی دارند که باید شنیده و مورد توجه قرار گیرد. چرا که این امکان وجود دارد رهنمودهای آن‌ها که از فرآیند بررسی آثارشان استنباط می‌شود، به کارایی و کارآمدی دستگاه عدالت کیفری و تحول در واکنش‌ها و ضمانت اجراها کمک نماید. با توجه به اینکه ادبیات واقع‌گرا به دنبال علت‌یابی مشکلات جامعه خود است، پس می‌توان از یک جهت، بستری مناسب برای ارائه اندیشه‌های جرم‌شناسانه و بزه‌دیده‌شناسانه بوده و از جهتی دیگر، امکان پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بین ادبیات و جرم‌شناسی را فراهم سازد. پژوهش در حوزه‌ی ادبیات و حقوق به ویژه جرم‌شناسی دارای فوایدی است که گاه پژوهش‌گران عرصه حقوق کیفری از آن غافلند از آن جایی که مسئله جرم و مجازات دغدغه نویسندگان نیز هست بهتر است سیاست‌مداران علوم جنایی و مدرسان و اساتید در دانشگاه‌ها، به فرهنگ‌سازی و آموزش جرم‌شناسی با ادبیات توجه بیشتری نمایند؛ چرا که با مقایسه حقوق و ادبیات مشخص می‌شود، که چگونه دو موضوع مختلف یکپارچه می‌شوند. مردم قانون و مسائل حقوقی را از طریق این آثار فرا

می‌گیرند؛ حتی آثار ادبی توسط مردم عادی موجب می‌شود آن‌ها بیشتر به بشریت و جامعه حساس باشند. با توجه به آن که نویسندگان واقع‌گرایی همانند ویکتور هوگو سعی در نشان دادن زندگی طبقه فرودست و علت‌های بزه‌کاری و بزه‌دیدی آن‌ها دارد، از این رو منبع مناسبی نه تنها برای دانشجویان حقوق بلکه برای آگاه‌سازی سیاست‌مداران جنایی نیز تلقی می‌گردد.

اما تدریس یک مطلب است و تالیف کتاب مطلبی دیگر، ولو موضوع همان موضوع باشد. برای حمایتی که در نگارش کتاب به دست آوردم به دکتر عباس ایمانی که این نوع مطالعات پربار را سال‌ها پیش برای نخستین بار به جامعه‌ی حقوقی ایران شناساند مدیونم. همواره از خوان دانش بی‌دریغ دکتر حسین آقایی جنت مکان به قدر - بضاعت دانه‌ها برچیده‌ام؛ در طول کار از یاری جناب اکبر قنبری مدیر انتشارات «نگاه معاصر» بهره‌مند بودم. عشق آن انتشارات به کتاب و نشر در هر تولیدشان نمایان است. خواندن رساله و مقالات دکتر علی مولایی، همیشه برای من دل‌گرم‌کننده، پر ثمر و لذت بخش بوده است. سیداحمد هاشم‌زاده اولین استادم و اولین شخصی بود که در درس جزا، ارزش ریشه‌یابی کلمات حقوقی را به من آموخت. سارا نیک‌زاده، سزاوار زنی که بارها دیدن را، از دریچه‌ی نگاهش گریستم؛ من دین‌همه‌ی آن‌ها را به گردن دارم و تا همیشه سپاسگزارشان خواهم بود.

کتاب حاضر مورد توجه دو گروه قرار می‌گیرد:

۱- دانشجویانی که حقوق را تلفیق ادبیات، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی می‌پندارند و می‌توانند هر سه علم را از دریچه داستان بیاموزند.

۲- فرصتی برای دوست‌داران ادبیات است تا از دریچه حقوق و با عینکی جرم‌شناسانه به دغدغه‌های ادیبان بنگرند.

سارا رفیعی پور

بهار، فروردین، ۱۴۰۱

«مهیبت‌ترین و مهلک‌ترین شوریدگی‌ها که می‌توان میان توده‌ها ترویج کرد سودای ناممکن است» .

لامارتین، در مورد رساله‌اش پیرامون "بینوایان"

مقدمه

رمان "بینوایان" برجسته‌ترین اثر ویکتور ماری هوگو است؛ در سال ۱۸۶۲ منتشر شده است. هوگو با نگرشی متفاوت عملکرد نادرست قدرت حاکم و انحرافات ثانوی را در این رمان به تصویر کشیده است. وی سیمای سیاست جنایی را در رمان به سبک رمانتیسیم و توسط چهارگروه حاکمان، دلدادگان، بزهکاران، مطرودین جامعه پیش چشم نهاده و با تمرکز بر نهادهای عدالت کیفری به تشریح فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی حاکم بر سده نوزدهم پرداخته است. هر فصل این رمان نشان از این دارد که آدمی در فرآیند فشارهای ساختاری ناشی از جامعه و فرآیند برجسب زنی، همچنین ساختار معیوب سیاست جنایی به بزهکاری روی می‌آورد. ویکتور هوگو با خلق شخصیت‌هایی چون بازرس ژاور (نماد قانون) و اسقف میرل (نماد بخشش) به جدال بین قانون و اخلاق پرداخته که شریعت و داوری آن هرگز انسان را رها نمی‌سازد. در پایان خودکشی بازرس ژاور مخاطب را به این باور می‌رساند که هرگاه قانون در تغییر بزهکار ناتوان بماند، بهتر است فرصتی به بخشش بدهد تا شاید موفق‌تر عمل کند. از این رو داستان به ما کمک می‌کند تا تفکری در نحوه واکنش پیشینیان در قبال پدیده‌های مجرمانه داشته باشیم بلکه بتوان جهت‌پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی به ویژه جرایم و انحرافات ثانوی که در این اثر تاکید شده است طرحی نو در اندازیم. همچنین وجود رابطه‌ی تنگاتنگ میان ادبیات و جرم‌شناسی را نمایان ساخته و موجب می‌گردد تا از ادبیات بعنوان ابزاری پیشگیرانه برای ساختن جامعه‌ای ایده‌آل استفاده نماییم. از این رو تلاش نگارنده بر آن است که با بررسی اثر مذکور به روش تحلیل محتوا برخی نظریه‌های جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی موجود در داستان را مورد کاوش قرار دهد. تا با مثال‌های داستانی در یادگیری دانشجویان موثر واقع شود. امید است این باور پدید آید که رویکرد جرم‌شناسی به جرم، با خوانش ادبیات راهکاری برای

توسعه علوم باشد و بر رویه های قضایی تاثیر بگذارد. از آن جایی که منبع و مرجع اصلی اندیشه های ادبی این کتاب رمان بینوایان است خوانش رمان، زندگی، زمانه و اندیشه ی ویکتور هوگو لازم می نمود. از این رو اقدام به کوتاه کردن این رمان که بیش از دوهزار صفحه است نمودیم. هرچند کاری طاقت فرساست، اما بی شک همین خلاصه به خواننده در درک بیشتر کتاب کمک می کند و خواننده را از خواندن اثر سترگ بی نیاز نمی کند. بدین سان، بخش اول، جنبه معرفی رمان را دارد و به شرحی مختصر از ویژگی های دو رشته ی جرم شناسی و فواید جرم شناسی ادبی در کنار شرح و نقش بزه کاری و سیاست جنایی در این رشته ها می پردازد، بلکه همسایگی و تلاقی میان ادبیات و جرم شناسی را نمایان سازد. در بخش دوم به بررسی بزه دیدگی و بزه کاری در اثر نویسندۀ "ویکتور هوگو" پرداخته و با گفتمان در خلال داستان سیمای سیاست جنایی و برخی نظریه های جرم شناسانه را مورد کاوش قرار دادیم.

بخش اول

تلاقی حقوق و ادبیات در پرتو شناخت جرم‌شناسی ادبی

یکی از اهداف جرم‌شناسی ایجاد زندگی امن و آرام برای مردم جامعه است، همان طور که ادبیات با نگاه آرمانی به دنبال عاری ساختن جامعه است. در این بخش، نخست به تلاقی حقوق و ادبیات در پرتو شناخت جرم‌شناسی ادبی و فواید حقوق و ادبیات بر یکدیگر می‌پردازیم؛ سپس به تعیین قلمروی آن‌ها پرداخته می‌شود. در نهایت فواید تحلیل در قلمرو جرم‌شناسی ادبی را بیان می‌کنیم.

فصل اول

ماهیت جرم‌شناسی ادبی و قلمرو آن

زمانی که دوره جرم‌شناسی علمی آغاز می‌گردد، اندیشه‌های ادبی متروک می‌ماند. نقدها و نظریه‌ها، عموماً منوط به مشاهده و تجربی بودن آن‌ها می‌گردد. اما، گذشته از ارزش‌های تاریخی و فلسفی شناخت ارتباط ادبیات و جرم‌شناسی، در حیطه نظر و تفکر، بی‌شک یافته‌ها و آورده‌های ادبی خالی از لطف و فایده نیست. در گسترش فکر، روان‌آدمیان، تربیت افراد و تعلیم روحی قضات و به طور کلی متولیان «ام‌حقوق»، استفاده از ادبیات بسیارکارافزاست. در این فصل سعی بر آن است تا به اهمیت و ماهیت موضوع پردازیم.

مبحث اول: پیشینه‌ی رمان بینوایان و معرفی ویکتور هوگو

گفتار اول - بینوایان

بینوایان (به فرانسوی: Les Misérables) یک رمان تاریخی فرانسوی نوشته ویکتور هوگو است که اولین بار در سال ۱۸۶۲ منتشر شد و به عنوان یکی از بزرگترین رمان‌های قرن ۱۹م شناخته می‌شود. رمان از آغاز شورش ژوئن در پاریس سال ۱۸۱۵ تا به ثمر رسیدن آن در سال ۱۸۳۲، زندگی شخصیت‌های مختلف، به‌ویژه زندانی آزادشده‌ای به نام ژان والژان را روایت می‌کند. از آن جایی که رمان بینوایان یک شاهکار ادبی است اختلافات زیادی بر سر ترجمه‌های آن وجود دارد. اولین بار اعتصام الملک پدر پروین اعتصامی یک جلد از رمان بینوایان را با نام تیره بختان ترجمه می‌نماید. پس از او افراد زیادی این رمان را ترجمه می‌کنند که یکی از پرطرفدارترین آن‌ها ترجمه حسینقلی مستعان است. این رمان با بررسی ماهیت قانون و بخشش، تاریخ فرانسه، معماری و طراحی شهری پاریس، سیاست‌ها، فلسفه اخلاق، ضد اخلاقیات، قضاوت‌ها، مذهب، نوع و ماهیت عشق را شرح می‌دهد. بینوایان از طریق فیلم، برنامه‌های تلویزیونی و تئاتر به اقبال عمومی فراوان دست یافت. فیلم‌هایی مثل بینوایان (موزیکال)، بینوایان (فیلم ۱۹۹۸) و بینوایان (فیلم ۲۰۱۲)، بینوایان (سریال ۲۰۱۸) از جمله آثار هنری اقتباسی از این رمان هستند. رمان بینوایان به تشریح بی‌عدالتی‌های اجتماعی و فقر و فلاکت مردم فرانسه می‌پردازد، همان عوامل و محرک‌های اجتماعی که منجر به سقوط ناپلئون سوم شد. انحصار توزیع قدرت و ثروت در دست خانواده فاسد سلطنتی که از مشکلات جامعه فرانسه کاملاً بی‌اطلاع بودند، سبب ایجاد معضلات اقتصادی و اجتماعی در جامعه‌ی فقیر فرانسه شد و انقلاب فرانسه ناشی از همین تحولات زیرساخت‌های اجتماعی جامعه فرانسه بود. ویکتور هوگو در خلال پردازش شخصیت‌های داستان و روان‌شناسی آن‌ها، نحوه درگیری و دخالت آنان را در این نهضت اجتماعی و توده‌ای نشان می‌دهد.

گفتار دوم - شخصیت های اصلی و راوی رمان بینوایان

ژان والژان: (که به نام های موسیو مادلن، اولتیم فوشلووان، موسیو لوبلان و یوربن فابر نیز شناخته می شود) اصلی ترین شخصیت رمان به دلیل دزدیدن یک قرص نان برای سیر کردن شکم هفت بچه گرسنه خواهرش، به ۵ سال زندان محکوم شده و بعد از ۱۹ سال به قید قول شرف از زندان آزاد می شود (بعد از ۴ تلاش ناموفق برای فرار از زندان، ۱۲ سال به محکومیتش اضافه شده و به دلیل مبارزه در دومین اقدام به فرارش ۲ سال نیز به محکومیتش اضافه می شود). به دلیل محکومیت سابقش جامعه او را نمی پذیرد. او با اسقف میرل روبرو می شود، کسی که با نشان دادن بخشش خود و تشویقش به مرد جدیدی شدن، او را به زندگی باز می گرداند. روزی درحالی که زیر درختی نشسته و به سخنان اسقف میرل فکر می کند پای خود را بر روی سکه ای که از دست جوان بی خانمانی افتاده قرار می دهد. زمانی که پسر تلاش می کند تا والژان را از خیال خود بیرون بیاورد و پولش را بردارد، والژان او را بی اختیار با چوب خود تهدید می کند. پسر دور می شود و ژان والژان از رفتارش پشیمان می شود، او نام خود و پسر را به کشیشی که در حال عبور است می گوید، و این موضوع باعث می شود پلیس او را به سرقت مسلحانه متهم کند که اگر دوباره دستگیر شود، برای همیشه به زندان باز خواهد گشت. او برای یک زندگی صادقانه، نام جدیدی انتخاب می کند (موسیو مادلن). والژان تکنیک های ساخت جدیدی را ارائه کرد و در نهایت دو کارخانه تأسیس می کند و یکی از ثروتمندترین مردان منطقه می شود. با انتخابات مردمی شهردار می شود. هنگامی که می فهمد فرد دیگری به جای او به عنوان ژان والژان محاکمه می شود، خود را به پلیس معرفی می کند. دستگیر می شود و دوباره با جعل مرگ خودش، فرار می کند و به سراغ کوزت، دختر یکی از کارگانش به نام فانتین، که در شرایطی به او قول داده از او مراقبت کند می رود. در ادامه فرارش از بازرس پلیس، ژاور که او را شناخته است، به عنوان باغبان در یک صومعه مشغول به کار می شود و کوزت در همان جا بزرگ می شود. سال ها بعد و در جریان انقلاب، ماریوس را از

زندانی شدن و مرگ احتمالی نجات می‌دهد، هویت واقعی خود را به ماریوس و کوزت بعد از ازدواجشان آشکار می‌کند و قبل از مرگش به آن‌ها می‌پیوندد. قول خود به اسقف و فانتین را حفظ می‌کند، تصویر آن‌ها آخرین چیزی است که قبل از مرگش می‌بیند.

ژاور - یک بازرس پلیس متعصب در تعقیب ژان والژان. در زندان متولد شده‌است، پدرش محکوم سابقه داری بوده و مادرش پیشگو می‌باشد، او وجود هر دو را نادیده گرفته و به عنوان نگهبان در زندان شروع به کار می‌کند. در نهایت او به نیروی پلیس در یک شهر کوچک ملحق می‌شود و در آنجا به شباهت موسیو مادلن با ژان والژان پی می‌برد.

فانتین - یک زن زیبا از طبقه کارگر که با یک بچه کوچک، توسط عاشق خود، فلیکس تولومیس، رها شده است. فانتین دختر خود کوزت را تحت سرپرستی تناردیه‌ها صاحب مهمانخانه‌ای در روستای مونت فرمیل ترک می‌کند. مادام تناردیه دختران خود را لوس کرده و از کوزت سوءاستفاده می‌کند. فانتین شغلی در کارخانه موسیو مادلن پیدا می‌کند. او بی‌سواد است و از دیگران برای نوشتن نامه به خانواده تناردیه کمک می‌گیرد. سرپرست زن آنجا متوجه می‌شود که او یک مادر طرد شده است و او را اخراج می‌کند. این اخراج، تنفر او از مادلن / والژان را به دنبال دارد. برای پاسخگویی به درخواست‌های مکرر تناردیه‌ها برای پول، موها و دو دندان جلوی خود را می‌فروشد و به فحشا کشیده شده و بیمار می‌شود. مادلن / والژان زمانی که ژاور، فانتین را به جرم حمله به یک مرد که به او توهین کرده دستگیر می‌کند با فانتین مواجه می‌شود. فانتین پس از شناختن مادلن، روی صورتش تف می‌کند. ولی مادلن، او را آزاد می‌کند و او را به بیمارستان می‌برد و قول می‌دهد کوزت را نزد فانتین بیاورد. زمانی که ژاور با والژان در اتاق بیمارستان روبرو می‌شود، به دلیل ضعف ناشی از بیماری و شوک حرف‌های ژاور که می‌گوید والژان یک محکوم است و دخترش کوزت را به او برنمی‌گرداند، فانتین می‌میرد.